بازداشت ۱۰ سلبریتی تبلیغ کننده سایت‌های شرط‌بندی

رئیس مرکز مبارزه با جرایم ملی پلیس فتا از دستگیری ۱۰ سلبریتی به اتهام تبلیغ سایت‌های شرط‌بندی خبر داد. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، سرهنگ مصطفی نوروزی دراین‌باره گفت: ۱۰ سلبریتی که در ترکیه و کشورهای دیگر اقامت داشتند به جرم تبلیغ سایت‌های شرط‌بندی از سوی پلیس فتا دستگیر شدند.

آنها با تبلیغات اغواکننده قشر جوان و نوجوان را گرفتار باند شرط‌بندی می‌کردند. حتی برخی از آنها را نیز پلیس اعلان قرمز کرده که با هماهنگی پلیس بین‌الملل قرارشده متهمان برای تحقیقات و محاکمه به ایران منتقل شوند.

وی افزود: امسال بیش از ۱۶ هزار فقره سایت و اکانت را مسدود کردیم و بیش از ۴۹۰۰ فقره وب سایت و شبکه اجتماعی در قالب ۱۴۷۰ پرونده ایجاد شد.

تعداد محدودی از سلبریتی‌ها و بازیکنان حوزه ورزش به درج تبلیغات و جذب فالوئر برای وب‌سایت‌های قمار اقدام می‌کنند که پرونده قریب به ۱۰ نفر آنها تحویل مراجع قضایی شده و تحت پیگرد قرار گرفته‌اند.

گفت‌وگو با مردی که در جریان سرقت از پیرمردی، او را کشت

وسوسه ۱۰۰ میلیونی!

پشت صحنه یک جنایت

معصومه ملکی

حوادث

فرشید ۲۱ ساله متهم است که با همدستانش در جریان ربودن مردی ۷۶ ساله به قصد سرقت اموالش و اخاذی از خانواده‌اش، وی را به قتل رسانده است. طراح و سرکرده این باند، مستاجر پیرمردی نانوا بود که با او اختلاف داشت. او و همدستانش شش ماه است زندانی شده‌اند. در حالی که شواهد او را قاتل می‌دانند اما متهم مدعی است یکی از متهمان با او در قتل همدست است. در پشت صحنه یک جنایت این هفته با این آدم ربای قاتل گفت‌وگو کردیم و مریم خلیفه، دادیار اجرای احکام دادسرای جنایی تهران ریشه‌های این جنایت را بررسی کرده است.

از اعدام می‌ترسم

شش ماه از بازداشت فرشید گذشته و هنوز عمق جنایتی که مرتکب شده را باور ندارد. هنوز به دنبال آن است که یکی از همدستانش را شریک جنایت خود کند که موفق نشده است. او در گفت‌وگو با جام جم، جزئیات این جنایت را تشریح کرد.

مقتول را می‌شناختی؟

خیر. برای اولین بار او را دیدم و بعد از ربودنش مرگ او رقم خورد.

چه‌کاره بودی؟

بیکار. در دوران سربازی در پادگان با مهرداد دوست شدم و همین رفاقت باعث شد پایم به این پرونده باز شود. آنقدر زیرگوشم خواند اگر به او و همراهانش کمک کنم ۱۰۰ میلیون تومان نصیبم می‌شود که وسوسه شده و وارد باندشان شدم.

از طراح ماجرا بگو.

او مستاجر مغازه نانوایی پیرمرد بود. طلاهای مادرش را فروخته و مغازه نانوایی اجاره کرده بود اما با هم دچار اختلاف شدند و پیرمرد قرارداد را با او تمدید نکرد و باعث خسارت به وی شد. چند نفری را برای سرقت خانه او فرستاد که آنها مدارک و کارت بانکی که ۷۶ میلیون تومان درآن بود را سرقت کرده و با پول‌ها متواری شدند. گروه دوم را تشکیل داد. با دستور او به پیرمرد زنگ زدیم و به بهانه واهی او را به دفتر اتحادیه کشاندیم، وقتی وی از آنجا بیرون آمد، به‌عنوان مسافر سوارش کردیم و با کتک زدن او با طناب دست وپاهایش را بستیم و به باغی در شهریار بردیم و ۱۲ ساعت گروگان ما بود. بعد با سرقت کلید خانه‌اش برای سرقت به آنجا رفتیم که با شنیدن صدای دخترش ناکام مانده و بعد از فرار به مخفیگاه گروگان بازگشتیم.

چرا گروگان را کشتید؟

موفق به اخاذی میلیاردی نشدیم، ازسویی پیرمرد چهره ما را شناخته بود و اگر شکایت می‌کرد، گرفتار می‌شدیم. او را سوار خودرو کرده و سمت کانال آب در مشیریه به راه افتادیم. من و دوستم، پیرمرد را داخل خودرو کتک زدیم که بدحال شد و دو نفری سیم شارژ تلفن همراه را دور گردنش انداختیم و خفه‌اش کردیم. برای این‌که ردی نماند، جسد او را در کانال آب انداختیم که بعد از دستگیری‌مان جسد کشف شد.

احساست بعد از جنایت چه بود؟

تا یک هفته خوابم نمی‌برد وکابوس آن شب مدام با من بود. در خانه کم‌حرف شده واسترسم صدچندان شده بود. اما خودم را دلداری می‌دادم که به‌زودی ازدواج می‌کنم و از این شهر می‌روم اما با دستگیری همدستانم، من هم بازداشت شدم. اما عذاب وجدان مدام با آدم است.

از ورودت به زندان بگو.

خیلی سخت بود. دوری از خانواده، نداشتن آزادی و ترس از مرگ تدریجی. یاد حرف‌های دوستم که مدتی به خاطر دعوا در زندان بود، افتادم. او می‌گفت از ورودت زندانی‌ها آمار زندگی و جرمت را دارند و ممکن است هررفتاری با آدم داشته باشند. هنوز پایم به بند نرسیده بود که همه اسم، رسم و جرمم را می‌دانستند.

برخی از زندانیان قصاصی قدیمی می‌گفتند جوان هستی وخدا بهت رحم کند که زودتر رضایت بگیری. فکر نمی‌کنیم در زندان سال‌های زیاد بتوانی دوام بیاوری. برخی دنبالم بودند که بفهمند پولدارم که بادیگاردم شوند و در مقابل زندانیان دیگر از من محافظت کنند ولی وقتی فهمیدند پول ندارم از من دور شدند. حتی در دو ماه اول مجبورم می‌کردند لباس‌هایشان را بشویم و داخل سلول‌مان را مدام نظافت کنم.

خانواده‌ات را ملاقات کردی؟

چندبار به دیدنم آمدند و مدام سرزنشم می‌کردند که چرا اینقدر رفیق‌بازی کردم که قاتل شدم، از طرفی بچه‌شان بودم و نمی‌توانستند نسبت به سرنوشتم بی‌تفاوت باشند. از وقتی کرونا آمد آنها را ندیدم و بیشتر تلفنی حرف زدیم.

اهل فیلم، کتاب، ورزش و موسیقی هستی؟

زیاد علاقه‌ای به کتاب خواندن ندارم و عاشق فیلم‌های اکشن هستم و به موسیقی رپ علاقه دارم. کارهای حمید صفت را گوش می‌دادم. حتی زمانی که او متهم به قتل پدرخوانده‌اش شد خبرهایش را دنبال می‌کردم. مدام با خود می‌گفتم چرا درگیر آن ماجرا شد. فکر نمی‌کردم خودم هم گرفتار شوم.

حرف آخر؟

از مرگ می‌ترسم و دوست ندارم اعدام شوم.

مراقب اشتباه اول باشیم

مریم خلیفه

دادیار اجرای احکام دادسرای جنایی تهران

در این پرونده پسر جوانی که سرباز بوده برای یک‌شبه پولدارشدن و وسوسه دریافت پول زیاد با اعضای باندی همکاری کرده و پیرمردی را ربوده اند و در ادامه وقتی در اخاذی از خانواده‌اش ناکام ماندند برای برملانشدن ماجرای گروگانگیری، پیرمرد را به قتل می‌رسانند.

بنابراین باید گفت که گامی اولی که این متهم اشتباه برداشته باعث‌شده که بقیه گام‌های اشتباه را نیز بردارد و این‌چنین خود را گرفتار کند. متهم پرونده برای اینکه پولدار شود، گمان می‌کرده که باید ره صدساله را یک‌شبه بگذارند اما غافل از این‌که چه سرنوشت تلخی برایش رقم خواهد خورد.

فریب دوستان خود در این باند را خورده و خود را گرفتار ماجرای آدم‌ربایی و جنایت کرده است. نبود آگاهی از قوانین باعث‌شده او غافل از مجازات گام به این بیراهه بگذارد و این‌چنین زندگی خود را به ورطه نابودی بکشاند. شاید اگر متهم می‌دانست چه عواقبی ناشی از بزهی که قرار است انجام دهد در انتظارش است شاید هیچ‌وقت دست به کار خلاف نمی‌زد. این پسر جوان اکنون علاوه بر همدستی در آدم‌ربایی و اقدام برای اخاذی، مجازات سخت‌تری هم بابت قتل پیرمرد در انتظارش خواهد بود.

محاکمه مردی که همسر دومش را زیر گرفت

مردی که متهم است همسر دومش را با خودرو زیر گرفته با نقض حکم مجازاتش برای دومین بار محاکمه می‌شود.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، مهدی ۵۶ ساله تابستان سال ۹۶ به‌دنبال اختلاف خانوادگی با همسر دومش به نام اعظم، با ماشین به او زد و گریخت. اعظم به بیمارستان منتقل شد، اما به‌خاطر شدت جراحات جان باخت.

شاهدان ماجرا مدعی شدند، این زن در حال پیاده شدن از خودرو بود که همسرش سرعت ماشین را زیاد کرد و باعث مرگ او شد. در ادامه مهدی دستگیر شد، اما مدعی شد عمدی در کار نبود و مرگ همسرش بر اثر یک حادثه بوده است.

او گفت: قصد کشتن همسرم را نداشتم. به‌خاطر اختلافاتی که با هم داشتیم، می‌خواستم کاری کنم دست و پایش بشکند و تنبیه شود.

در حالی که متهم منکر قتل عمدی بود، پرونده برای محاکمه به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد و متهم در شعبه یازدهم پای میز محاکمه قرار گرفت. در این جلسه فرزندان مقتول از پدرشان شکایت کرده و برای او درخواست قصاص کردند.

متهم هم وقتی پای میز محاکمه قرار گرفت، گفت: با همسر دومم اختلاف داشتم، اما راضی به مرگ او نبودم. مدتی بود مدام با هم درگیر بودیم. آن روز وقتی دعوا داخل ماشین بالا گرفت همسرم قصد پیاده شدن از ماشین را داشت. او حتی اجازه نداد ماشین را به‌طور کامل متوقف کنم. من هم که عصبانی بودم وقتی همسرم در حال پیاده شدن از ماشین بود حرکت کردم و او روی زمین افتاد. از فرزندانم شرمنده‌ام و حاضرم به آنها دیه پرداخت کنم.

در ادامه فرزندان مقتول او را بخشیدند و متهم از جنبه عمومی جرم به حبس محکوم شد.

با اعتراض این مرد به حکم مجازاتش پرونده به دیوان عالی کشور ارسال شد که قضات شعبه هفتم، حکم را نقض کردند.

پس از نقض حکم پرونده دوباره به دادگاه کیفری یک استان تهران بازگشت تا قضات کیفری به سهم صغار رسیدگی کنند همچنین در حالی که متهم مدعی است به صورت غیرعمد همسرش را کشته بنابراین دادگاه درباره این ادعا تحقیق نکرده و دیوان عالی کشور خواستار تحقیقات بیشتر درباره عمدی یا غیرعمدی بودن قتل شد. پس از رفع این نواقص، قضات دوباره درباره متهم تصمیم‌گیری خواهند کرد.

قتل مرد معتاد به جای برادر

مردی که به جای کشتن برادرش مرد دیگری را به قتل رسانده بود، بعد از پنج ماه به قتل اعتراف کرد.

به گزارش جام‌جم، بیست و یکم مرداد امسال مردی هنگام عبور از بوستان فتح در محله مهرآباد جنوبی مشاهده کرد مردی زخمی از روی نیمکت به زمین افتاد. او در ادامه با پلیس و اورژانس تماس گرفت. همزمان با حضور آنها، مرد زخمی به بیمارستان منتقل شد که فوت کرد. مرگ او به رحیم دشتبان، بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران گزارش شد. بررسی تیم جنایی پلیس نشان داد که او به عمد هدف ضربه‌های چاقو قرار گرفته و به قتل رسیده است.

در ادامه تحقیقات محلی، هویت مرد معتاد به‌دست آمد که خانه‌اش در همان حوالی بود. با گذشت چند ماه از این جنایت، رد مرد معتادی به‌دست آمد. او دستگیر و در تحقیقات مدعی شد برادرش قاتل است. در ادامه برادر او بازداشت شد و در تحقیقات گفت: پسری ۲۰ ساله دارم و به‌خاطر نداشتن تفاهم، چند سال قبل از زنم جدا شدم. برادر معتادی داشتم که وسایل خانه مادرم را می‌دزدید و با فروش آن، شیشه خریده و مصرف می‌کرد، علاوه بر آن کفش‌های همسایه‌ها را هم سرقت کرده و آبرویمان را برده بود. او اعتیادش را ترک نمی‌کرد. در جریان درگیری با وی یک‌بار مرا با چاقو زخمی کرد که با میانجی‌گری خانواده، از او شکایت نکرده و آشتی کردیم اما باز هم مرا کتک زد.

وی افزود: از او کینه به دل گرفتم و می‌خواستم او را با چاقو به قتل برسانم تا از او خلاص شویم. همیشه روی نیمکت مخصوصی در بوستان فتح محله مهرآباد جنوبی می‌خوابید. آن روز چاقو برداشتم و برای یافتن‌اش به آن بوستان رفتم که فردی را دیدم روی نیمکت خوابیده و رویش پتو انداخته است. فکر کردم برادرم است. او را با چاقو زدم که چند روز بعد با دیدن برادرم متوجه شدم اشتباهی یک نفر دیگر را کشته‌ام. خواستم خودکشی کنم که نتوانستم.

بازپرس شعبه دهم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: برای این متهم به اتهام مباشرت در قتل عمدی بازداشت موقت صادر شده و تحقیقات از او در اداره دهم پلیس آگاهی تهران ادامه دارد.

شیشه باعث شد برادرم را بکشم

مرد شیشه‌ای که به برادرکشی متهم بود، سرانجام به قتل او اعتراف کرد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، راننده ۴۰ ساله‌ای صبح بیستم آذر امسال با ضربه‌های چاقو برادر ۳۳ ساله‌اش را در یکی از محله‌های اطراف نواب به قتل رسانده و متواری بود که یک روز بعد بازداشت شد. متهم با دستور محمدجواد شفیعی، بازپرس شعبه پنجم دادسرای جنایی تهران به اداره دهم پلیس آگاهی تهران منتقل شد. متهم ابتدا مدعی شد، ۱۲ سال است که یک روح سرگردان با وی بوده که او خودش را به شکل وی در آورده و برادرش را کشته است. با توجه به اظهارات عجیب وی تحقیقات از او ادامه داشت تا این‌که دو روز پیش در جریان تحقیقات به قتل برادرش اعتراف کرد و گفت: اعتیاد به شیشه باعث شد که من سه شکست در ازدواج داشته باشم. آن روز وقتی به خانه آمدم و می‌خواستم به محل زندگی‌ام در اتاقک ۱۰ متری کنار پارکینگ خانه بروم که دیدم برادرم مشروب خورده و دوستانش را آنجا جمع کرده بود. با او دعوا کرده و آنها را بیرون کردم. شیشه مصرف کرده بودم. برادرم به من اعتراض کرد و درگیری‌مان بالا گرفت، عصبانی شدم و او را با ضربه‌های چاقو زخمی کرده و متواری شدم. بعد از دستگیری فهمیدم او فوت شده، پشیمانم و قصد قتل او را نداشتم یک لحظه عصبانیت باعث شد دستم به خون او آلوده شود. بازپرس شعبه پنجم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: متهم به برادرکشی به اتهام مباشرت در قتل عمدی روانه بازداشتگاه پلیس آگاهی تهران شده و تحقیقات از او ادامه دارد.

رفیقم موفق بود، او را کشتم!

مرد حسود که بعد از قتل دوستش، جسد او را در چاه انداخته بود سکوت خود را شکست.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، نهم آذر امسال زنی با حضور در پلیس آگاهی شهرستان ماهنشان با طرح شکایتی گفت: شوهرم ششم آذر از خانه خارج شد و دیگر بازنگشت. فقط پیامکی برای من ارسال کرد که در آن عنوان کرده بود به‌دنبال گنج رفته است. معلوم شد مرد گمشده در کار خرید و فروش ماهی است.

در ادامه ماموران پلیس آگاهی ماهنشان و استان زنجان به‌طور مشترک به تحقیقات ادامه داده و به سرنخ‌هایی دست یافتند که نشان می‌داد، برداشت‌هایی از حساب‌های بانکی مرد گمشده در داخل شهر انجام شده است. این در حالی است که او در پیامک به خانواده‌اش گفته بود خارج از شهر است که این ماجرا مشکوک بود. ماموران به بازبینی فیلم دوربین دستگاه خودپردازی که از آن برداشت شده بود، پرداختند. شواهد نشان می‌داد که او یکی از دوستان و هم‌صنفی‌های مرد گمشده است. او به‌عنوان مظنون بازداشت شد، اما در تحقیقات مدعی بود که نقشی در گمشدن دوستش ندارد. اما بر اساس ادعای خانواده مرد گمشده او برای آخرین بار به باغ این مرد رفته بود. مرد جوان وقتی این ماجرا را فاش شده دید مدعی شد: دوستم به باغ من آمد، ساعاتی ماند و بعد برای یافتن گنج از باغم بیرون رفت و دیگر او را ندیدم. این در حالی بود که خانواده مرد گمشده می‌گفتند او هیچ‌وقت به‌دنبال یافتن گنج نبوده است. تحقیقات ادامه داشت تا این‌که چند روز پیش مرد بازداشتی سکوت خود را شکست و اعتراف کرد که دوستش را به قتل رسانده است. او درباره انگیزه‌اش گفت: از سه سال قبل با هم دوست شدیم. همیشه به او موفقیت‌های او در کار و زندگی‌اش حسادت می‌کردم و از او کینه به دل گرفته بودم و در پی فرصتی برای انتقام و ضربه زدن به وی بودم. یک ماه قبل سلاح شکاری خریدم. آن شب او را به بهانه مهمانی شبانه به باغ دعوت کردم. به او آبمیوه مسموم دادم که بیهوش شد. بعد با شلیک گلوله او را کشتم و جسدش را داخل چاهی که در باغ بود انداختم. کارت‌های بانکی‌اش را برداشته و با آن پول جابه‌جا کردم تا همه فکر کنند زنده است.

سرهنگ کارآگاه جعفر رحمتی، رئیس پلیس آگاهی استان زنجان در این باره به جام‌جم گفت: پس از اعترافات متهم، تیم جنایی راهی محل قتل شده و جسد را از عمق چاه بیرون کشیده و به پزشکی قانونی منتقل کردند.

کوتاه از حوادث

- پزشک کرمانشاهی که از سوی دو مرد ربوده شده بود در کمتر از سه ساعت آزاد شد.

فردی با پلیس کرمانشاه تماس گرفت و اطلاع داد در بازار توپخانه فردی ربوده شده است. زمانی که ماموران برای بررسی ماجرا در آنجا حاضر شدند، معلوم شد مرد ۴۶ ساله‌ای که از پزشکان عمومی شهر کرمانشاه بوده هنگام خرید میوه از سوی دو جوان ۲۵ تا ۲۷ ساله با تهدید چاقو در خیابان ربوده‌اند. تحقیقات برای دستگیری آدم‌رباها و نجات گروگان ادامه داشت تا این‌که در کمتر از سه ساعت حوالی خیابان شریعتی خودروی آدم‌ربا شناسایی و با توقیف خودرو هر دو متهم را بازداشت کردند و گروگان نجات یافت. آدم‌رباها در تحقیقات انگیزه خود را اختلافات شخصی، توهین و اهانت به آنها پس از تماس تلفنی با پزشک ربوده شده، عنوان کردند.

- اعضای یک باند کارچاق‌کن و مدعی نفوذ در دستگاه قضایی توسط حفاظت اطلاعات دادگستری استان هرمزگان شناسایی و بازداشت شدند.

متهمان با ادعای اعمال نفوذ و توسل به مانور متقلبانه پس از اغفال تعدادی از مراجعان، ۸۰۰ میلیون تومان از آنها پول کلاهبرداری کرده بودند. در ادامه تحقیقات چهار نفر دستگیر شدند.

از آنها ۴۲ عدد سکه بهار آزادی کشف شد. تحقیقات تکمیلی از آنها ادامه دارد.

- فروشنده داروی تقلبی کرونا که تحت تعقیب پلیس زنجان بود، بازداشت شد.

فردی با تبلیغات گسترده در فضای مجازی، به فروش داروهای تقلبی مکمل درمان کرونا در شهر زنجان اقدام می‌کرد، که تحقیقات پلیس فتا در این باره آغاز شد. در ادامه رد مردی در این باره به دست آمد و او در مخفیگاهش بازداشت شد. در بازرسی از مخفیگاه وی مقادیر قابل توجهی داروی غیرمجاز از او کشف شد.

- حکم شلاق در ملأعام یک مجرم در قزوین در مقابل دیدگان مردم به اجرا درآمد.

این زندانی ۲۹ ساله سابقه‌دار، مرتکب چند فقره شرارت و ناامنی از جمله مشارکت در نزاع دسته‌جمعی، ورود به عنف به خانه مردم، مشارکت در قتل عمدی، قدرت‌نمایی، تهدید، مشارکت در آدم‌ربایی، اخلال در نظم عمومی و... در شهرستان قزوین شده بود. در ادامه با دستور قضایی به ۷۹ ضربه شلاق در ملأعام محکوم شد که از سوی ضابطین قضایی در محل پارک سوار شهید بهشتی قزوین حکم شلاق وی به مرحله اجرا درآمد.

- پسری به علت اختلافات خانوادگی در قزوین پس از درگیری با مادرش، وی را به قتل رساند. یکی از همسایه‌ها که شاهد ماجرا بود موضوع را به پلیس شهر اقبالیه قزوین گزارش داد. ماموران کلانتری ۲۰ در محل حاضر شدند. آنها در بررسی از محل متوجه شدند زن ۴۰ ساله در درگیری با پسر ۱۴ ساله‌اش به قتل رسیده‌است.

نوجوان متهم به قتل بازداشت شد و در اعترافاتش گفت که اختلاف خانوادگی باعث این کار وی شده است.

- ۲۱۴ نفر از اراذل و اوباش از سوی پلیس تهران بازداشت و ۳۳ واحد صنفی متخلف نیز پلمب شد.

همزمان در مرحله هفتم اجرای طرح اقتدار پلیس امنیت عمومی تهران بزرگ پلیس موفق شد، ۲۱۴ نفر از اراذل و اوباش را در عملیات جداگانه پلیسی بازداشت کند.

در جریان پاکسازی ۷۸ محله و مکان، ۳۱ قبضه سلاح، ۳۱۶۶ فشنگ و ۴۷ قبضه سلاح سرد و ۷ دستگاه موتور و خودرو کشف شد. همچنین پلیس ۴۶۰ واحد صنفی را بازرسی کرد و ۳۳ مورد از این مکان‌ها پلمب شد. علاوه بر آن ۵۴ تارنما که فعالیت این افراد را انجام می‌دادند، شناسایی و ۱۰ نفر از اراذل و اوباش دستگیر و صفحات مسدود شدند.

- خواهر و برادری که با راه‌اندازی یک سایت اینترنتی قمار و شرط‌بندی بیش از ۱۲ میلیارد تومان گردش مالی داشتند، بازداشت شدند.

ماموران پلیس فتای شهرستان گرمسار هنگام رصد در فضای مجازی متوجه فعالیت یک سایت قمار و شرط‌بندی شدند. به تحقیقات در این باره ادامه دادند که معلوم شد راه‌اندازان آن یک خواهر و برادر گرمساری هستند که تحت تعقیب قرار گرفتند و بازداشت شدند. آنها با سودای کسب درآمد در فضای مجازی سایت قمار و شرط‌بندی راه‌اندازی کرده بودند. در بررسی حساب‌هایشان معلوم شد بالغ بر ۱۲ میلیارد و ۲۵۰ میلیون تومان گردش مالی داشته‌اند.